

تحلیل شبکه مضامین دعای عهد به منظور کشف الگوی زیست منتظرانه

محمد سبحانی نیا^۱شناسه دیجیتال (DOI): [10.22084/DUA.2025.29746.1093](https://doi.org/10.22084/DUA.2025.29746.1093)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۹ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱



چکیده

از جمله مهم‌ترین متون حدیثی به‌جای‌مانده از امامان معصوم، ادعیه ایشان است که غالباً رویکرد آن‌ها برآورده کردن نیازهای انسانی است. در این میان، در حوزه مهدویت، دعای عهد منقول از امام صادق(ع)، نقش تعیین‌کننده‌ای در ترسیم سبک زندگی مهدوی دارد. اگرچه بسیاری از محققان نسبت به دعای مذکور، اهتمام ورزیده‌اند، اما آنچه تاکنون مطرح شده، بیش‌تر ناظر به شرح و تفسیر آن بوده است. در این پژوهش، تلاش شده است، با استفاده از روش تحلیل محتوایی، با استخراج کمی داده‌ها، فراوانی واژگان کلیدی، مضامین اصلی و مضامین فرعی یا نقاط تمرکز دعای عهد، الگوی زیست منتظرانه معرفی شود. در این راستا از مجموع ۱۵ فراز دعای عهد، ۱۲ عنوان کلیدی و کلی و ۵۰ موضوع فرعی استخراج شده است. با «طبقه‌بندی» جهت‌گیری‌ها برای دستیابی به «مقوله»های تحقیق روشن شد که از ۱۲ موضوع اصلی استخراج شده، ۳۰ مجموعه (۶۰ درصد) به موضوع سبک زندگی مهدوی، ۱۲ مجموعه (۲۴ درصد) به موضوع امام‌شناسی و ۸ مجموعه (۱۶ درصد) نیز به مسئله خداشناسی اشاره دارند. بر این اساس با توجه به این‌که زیست منتظرانه در متن دعا از کمیت بیش‌تری برخوردار است، می‌توان آن را محوری‌ترین موضوع دعای عهد قلم‌داد کرد و این نشان‌دهنده برجسته‌بودن بُعد شناختی این دعای ارزشمند است.

کلیدواژه‌ها: دعای عهد، خداشناسی، امام‌شناسی، زیست منتظرانه، مهدویت

۱- استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه کاشان. ysingoodarzi90@gmail.com

۱. مقدمه

دعا، جوشش درون انسان است که بر قلب و زبانش جاری می‌شود. زمانی که او خاضعانه و خاشعانه در محضر معبود خود اظهار عجز و ناتوانی می‌کند، در واقع از همه تعلقات مادی و دنیوی رها می‌گردد و تنها به خدا می‌اندیشد. هم‌اکنون، بشر با ورود به هزاره سوم حیات مدرن خود، دریافته است بازگشت به معنویت و ارتباط با خداوند، تنها نسخه نجات‌بخش وی از جنجال‌های دست‌ساخته خویش است. در این میان، جایگاه دعا و ارتباط با خالق یکتای هستی از طرف اندیشمندان شرق و غرب مورد بازنگری ویژه قرار گرفته است. زیربنای تربیت دینی، بر خدامحوری در ارزش‌ها و انگیزه‌هاست و نقش دعا در تقویت این رویکردها برای انسان دین‌دار برجسته است. بر این اساس در مکتب تشیع بر ادعیه مؤثره از معصومین و کثرت و تنوع آن‌ها، تأکید شده است. این ادعیه که مناسب حالات و شرایط و نیازهای گوناگون انسانی است، توانسته است با ایجاد روش عقلانی، عاطفی، ایفای نقش نماید. یکی از دعا‌هایی که بسیاری از شیعیان روزانه به آن اهتمام می‌ورزند، دعای عهد است. پژوهش پیش رو، بر آن است با استمداد از روش «تحلیل محتوا» متن این دعا را مورد واکاوی قرار دهد و ابعاد مختلف آن را روشن نماید.

پژوهش حاضر می‌کوشد با روش توصیفی و تحلیل محتوا و با بهره‌گیری از نظریه یاد شده، به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱. واژگان کلیدی و مضامین اصلی دعای عهد کدامند؟
۲. مضامین فرعی یا نقاط متمرکز دعای عهد شامل چه موضوعاتی است؟
۳. زیست منتظرانه در دعای عهد چگونه ترسیم شده است؟

۱-۱. پیشینه پژوهش

در باره دعای عهد پژوهش‌های فراوانی، نگاشته شده که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود: هرنیدی (۱۳۸۳) در کتاب «شرح دعای عهد»، به تفصیل، فرازهای مختلف دعا را شرح داده است. امانی و خوش‌ناموند (۱۳۹۳) در مقاله «بررسی روابط بینامتنی قرآن و دعای عهد»، روابط بینامتنی میان دعای عهد و آیات قرآن را مشخص کرده‌اند. حسینی زیدی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله «بررسی عناصر سه‌گانه فکری، شکلی و ساختاری و جلوه‌های علم معانی و بیان در دعای عهد»، تصویرهای هنری و زیبایی‌الفاظ و معانی موجود در دعای عهد را شناسایی کرده‌اند. قصیری (۱۳۹۸) در مقاله «صفات منتظران بر اساس دعای عهد»، بایسته‌های رفتاری منتظران را تبیین کرده است. داوودپور (۱۳۸۸) در مقاله



آموزه‌های اجتماعی دعای عهد، به برخی از آموزه‌های اجتماعی موجود در این دعا هم‌چون وفای به عهد و تعهد داشتن، عدالت‌خواهی، مهرورزی، اصلاح‌طلبی اشاره کرده است. دشتبانی (۱۳۹۰) در پایان‌نامه «بررسی مبانی قرآنی و روایی دعای عهد»، شرایط زمان قبل و بعد از قیام حضرت (عج) و برشمردن آرمان‌های زمان ظهور را بر اساس مبانی قرآنی و روایی بررسی کرده است. قرائتی (۱۳۹۲) در کتاب «زندگی مهدوی در سایه دعای عهد»، به موضوعاتی مانند خداشناسی، درخواست و طلب، ابلاغ درود، عهد مهدوی، مفاد عهد و پیمان، درخواست رجعت، دعا برای ظهور، برنامه‌های ظهور پرداخته است.

از سوی دیگر، در متون دینی، مقاله‌هایی با روش تحلیل مضمونی انجام شده است. مانند: سلیمی و دیگران (۱۳۹۷): «الگوی تربیت اخلاق اسلامی از منظر امام سجاد(ع) بر مبنای تحلیل محتوای مضمونی دعای مکارم الاخلاق». جانی‌پور و سروری مجد (۱۳۹۳): «تبیین شیوه‌های تربیتی امام رضا(ع) در راستای ایجاد سبک زندگی اسامی بر مبنای تحلیل محتوای دعا‌های صحیفه رضویه. طیار نژاد و دیگران (۱۴۰۰): «تبیین الگوی سبقت در تقرب بر پایه تحلیل محتوای کیفی دعای کمیل».

با توجه به این‌که هیچ پژوهش‌گری تاکنون به‌طور مستقل به بررسی دعای عهد با روش تحلیل محتوا نپرداخته است، این مقاله از اولین پژوهش‌ها در عرصه و موضوع مذکور قرار می‌گیرد.

۲-۱. ضرورت و اهمیت پژوهش

یکی از مشکلات بزرگ نظام‌های تربیتی خرد و کلان جامعه امروزی، فاصله بین ارزش‌ها و انگیزه‌هاست. این معضل از آن‌جا ناشی می‌شود که در نظام تعلیم و تربیت کنونی، آموزش به فرایند انگیزه‌های درونی افراد تبدیل نمی‌گردد. این در حالی است که طرح دین برای هدایت و سعادت انسان‌ها، مبتنی بر انگیزه‌های درونی است که با شیوه‌های مختلف انجام می‌شود که یکی از آن‌ها دعا است.

در منابع دینی شیعی، ادعیه، جایگاه ویژه‌ای دارند و بخشی از متون رسیده از امامان(ع) را تشکیل می‌دهند. یکی از دعا‌هایی که شیعیان روزانه به آن اهتمام می‌ورزند، دعای عهد است. تأمل در دعای یادشده، ابعاد مختلف آن را نشان می‌دهد. این دعا در زمره ادعیه منقول از امام صادق(ع) است که به حراست از آن و ذکر مداومش در عصر غیبت تأکید شده است. آن حضرت فرموده‌اند: هر کس چهل صبح‌گاه این دعا را بخواند، از یاوران حضرت قائم(عج) خواهد بود و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد، خدای تعالی او را زنده خواهد کرد تا در رکاب آن حضرت جهاد نماید و

به شماره هر کلمه از آن هزار حسنه برایش نوشته می‌شود و هزار کار بد از او محو می‌گردد (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۵۳/ ۹۵).

دعای عهد، حاوی مطالب ارزشمند اعتقادی و اخلاقی و تربیتی است و در طول تاریخ، بسیار مورد توجه عالمان دینی قرار گرفته است؛ اما تحقیق و بررسی‌های صورت گرفته، بیش‌تر ناظر به شرح و تفسیر این دعاست و حداکثر قرابتی که بین این نونگاشته و سایر متون وجود دارد، ترجمه و شرح‌هایی است که به تبیین متن دعا اقدام کرده‌اند. آنچه اهمیت پژوهش را نشان می‌دهد، نقش سازنده‌ای است که این روش در درک معانی پنهان متن، ایفا می‌کند. نبود پژوهشی مستقل درباره متن‌شناسی دعای عهد با روش تحلیل محتوا، لزوم پرداختن به این موضوع را دوچندان کرده است.

۲. مباحث نظری پژوهش

۲-۱. دعای عهد

یکی از دعاهایی که تأکید زیادی بر خواندن آن در دوران غیبت امام زمان (عج) شده است، دعای عهد است. نام‌گذاری این دعا به «عهد» بر اساس روایتی است که از امام صادق (ع) نقل شده است: مَنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ أَزْبَعِينَ صَبَاحًا بِهَذَا الْعَهْدِ كَانَ مِنْ أَنْصَارِ قَائِمِنَا عَلَيْهِ السَّلَام (ابن‌مشهدی، ۱۴۱۹: ۶۶۳). هرکس چهل صبح با این عهد خدا را بخواند، از یاوران حضرت مهدی (ع) خواهد بود.

در مورد سند دعای عهد باید گفت علامه مجلسی دعای مذکور را در سه جا از کتاب شریف بحارالانوار نقل کرده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۵۳/ ۹۵؛ همان: ۸۳/ ۶۱ و همان: ۹۹/ ۱۱۱). ایشان ابتدا این دعا را از کتاب «مصباح الزائر و جناح المسافر» سید بن طاووس نقل کرده و به سند این روایت هیچ اشاره‌ای نکرده است. در جای دیگر، این دعا را از کتاب «الکتاب العتیق» بدون ذکر نویسنده آن نقل کرده است. آقابزرگ تهرانی می‌نویسد: نام دیگر «الکتاب العتیق»، «مجمع الدعوات» و یا «مجموع الدعوات» است که نویسنده آن ابی‌الحسین یا ابی‌جعفر محمد بن ابی‌محمد هارون بن موسی تلعبکری است (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۸ق: ۲۰/ ۲۸). در سلسله سند روایت فوق، اسامی‌ای وجود دارد مانند یحیی بن کثیر، محمد بن علی قرشی، احمد بن سعید که مجهول‌اند و وضعیت روشنی ندارند.

اما دو نکته مهم، ضعف سندی آن را جبران می‌کند: اولاً، نقل این دعا توسط عالمان بزرگی همچون سید بن طاووس (ابن طاووس، ۱۴۱۶ق: ۴۵۵)، کفعمی (کفعمی، ۱۴۰۵ق: ۵۵۱) و علامه مجلسی (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۹۹/ ۱۱۱). نشان از اعتماد آنان به این دعا دارد. ثانیاً، مضامین عالی آن در دیگر دعاهای معتبر،



مورد تأیید قرار گرفته است. مانند بحث بازگشت به دنیا و رجعت که با اعتقادات و منابع کلامی شیعه هم‌خوانی دارد و در دعا‌های متعدد از جمله زیارت جامعه کبیره مطرح شده است.

وعدۀ امام صادق(ع) نسب به رجعت کسی که با دعای عهد به مقامات این دعا دست یافته است، نشان از ظرفیت بالای دعای عهد و جایگاه رفیع آن دارد. باقی‌ماندن بر عهد با امام با این دعا، پاداش دیگری در پی دارد که به تعداد کلمات تلاوت‌شده از دعا، خداوند متعال هزار حسنه به او عطا می‌نماید و هزار گناه از او را طوری پاک می‌کند که محو شده و اثری از آن باقی نماند (ابن مشهدی، ۱۴۱۹ق: ۶۶۳).

۲-۲. روش تحلیل محتوا (Content Analysis)

در پی توجه به دانش نشانه‌شناسی و ارتباطات غیرکلامی در بررسی‌های زبان‌شناختی و متن‌پژوهی در دهه ۱۹۶۰ میلادی، روش «تحلیل محتوا» به‌عنوان بهترین روش ترکیبی کمی و کیفی، پای به عرصۀ تحقیقات علمی اندیشمندان گذاشت. روش تحلیل محتوا، از جمله روش‌های پژوهشی است که در حوزه علوم انسانی کاربرد دارد. از آن‌جا که نتایج به‌دست آمده از طریق آن، از اعتبار بالایی برخوردار است، محققان و پژوهشگران عرصه‌های گوناگون علمی به آن بسیار توجه کرده‌اند. در این روش، رویکرد کمی متن، کلید اصلی حل معمای فهم متن به شمار می‌رود که زمینه ورود به عرصۀ تحلیل‌های کیفی را ایجاد مینماید، بستر مناسبی برای متن‌پژوهی ترکیبی فراهم می‌آورد.

«لورنس باردن» (Laurence Barron) در کتاب خود به این اشاره می‌کند که تحلیل محتوا در حقیقت فن پژوهش عینی، اصولی و کمی به‌منظور تفسیر و تحلیل محتوا است و تفکر بنیادی تحلیل محتوا عبارت است از: قراردادن اجزای یک متن (کلمات، جملات، پاراگراف‌ها و مانند آن بر حسب واحدهایی که انتخاب می‌شوند) در مقولاتی که از پیش تعیین شده‌اند (باردن، ۱۳۷۵: ۲۹).

روش تحلیل محتوا در دو حوزه مطالعات کمی و کیفی قابل پی‌گیری است. منظور از تحلیل‌های کمی، بررسی فراوانی مضامین و موضوعات اصلی و فرعی مطرح‌شده در متن می‌باشد که محقق را با ساختار عناصر و مؤلفه‌های به‌کار رفته در آن بیش‌تر آشنا می‌سازد.

«تحلیل‌های کمی راه ورود برای تحلیل‌های کیفی را هموار می‌کنند و در اصل، نشان می‌دهند که محقق بر اساس چه مبنایی به تحلیل‌های کیفی پرداخته است. عمده‌ترین کاربردهای تحلیل محتوا عبارتند از: مطالعه اطلاعات به‌منظور پاسخ‌دادن به این پرسش‌ها که چه کسی؟ چه چیزی را؟ به چه کسی؟ چرا؟ چگونه؟ و با چه تأثیری؟ می‌گوید» (کیوی و کامپنهود، ۱۳۸۱: ۲۲۲).

استفاده از تحلیل های کیفی، به مثابه فنی برای بررسی بیش تر از پدیده ای است که در نهایت، منجر به نظریه پردازی می گردد.

«بررسی های متعارف اجتماعی معمولاً مبتنی بر پرسش نامه هستند؛ یعنی آنچه توسط پژوهشگر تحلیل می شود، پاسخ هایی است که به پرسش های پرسش نامه داده شده است؛ اما در روش تحلیل محتوا برعکس عمل می شود و به همین دلیل، این فن را «پرسش نامه معکوس» نیز می نامند. در این روش، اسناد گفتاری چنان تحلیل می شوند که گویی جواب سؤال های پرسش نامه هستند» (فیروزان، ۱۳۶۰: ۲۱۱).

ذیل روش تحلیل محتوا، انواع مختلف فنون تعریف شده که فن «تحلیل محتوای مضمونی» (Thematic Content Analysis) از پرکاربردترین آن ها است. در این تحلیل، تکیه محقق بیش از هر چیز دیگری، روی مضامین و محتوای پیام و متن است. در این روش، محقق تلاش می کند به جای استفاده از مقیاس ها و پرسش نامه های از پیش طراحی شده، مضامین متن را مورد سنجش قرار دهد (نئوندورف، ۱۳۹۵: ۱۹۲).

برای مقاله حاضر از تکنیک «تحلیل محتوای مضمونی» به صورت کدگذاری باز با تأکید بر واژگان و قالب بیانی هر مضمون (موضوع اصلی)، ضمن شناسایی نقاط تمرکز هر متن (موضوع فرعی) تلاش شده است، جهت گیری فرازهای مختلف دعای عهد تعیین و تحلیل شود.

جدول شماره ۱ - تحلیل محتوای دعای عهد

ردیف	متن دعا	مضمون اصلی	مضمون فرعی	جهت گیری	کد
۱	اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ، وَرَبَّ الْكَرْسِيِّ الرَّفِيعِ، وَرَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ، وَمُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ، وَرَبَّ الظُّلِّ وَالْخُزُورِ، وَمُنْزِلَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، وَرَبَّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَالْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ	ثنای الهی	ربوبیت عالم	خداشناسی	A1
			نزول کتب آسمانی		A2
			نزول قرآن		A3
۲	اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَبُيُوتِ وَجْهِكَ الْمُنِيرِ وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُونَ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي		قسم دادن به خدا	خداشناسی	B1
			ازلی بودن خدا		B2
			ابدی بودن خدا		B3



B4		حیات پروردگار	صفات خدا	يُصَلِّحْ بِهِ الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ، يَا حَيَّاقَبْلَ كُلِّ حَيٍّ وَيَا حَيَّابَعْدَ كُلِّ حَيٍّ يَا مُجِيبَ الْمُتَوَسِّلِينَ وَ مُجِيبَ الْأَحْيَاءِ	
ردیف	متن دعا	مضمون اصلی	مضمون فرعی	جهت گیری	کد
۳	اللَّهُمَّ بَلِّغْ مُؤَلَانَا الْإِمَامَ الْهَادِيَ الْمُهْدِيَّ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ	صفات امام	ولایت امام	امام شناسی	C1
			هدایت امام		C2
			قیام امام		C3
۴	عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، سَهْلِهَا وَحَبْلِهَا، وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَعَنْيَّ وَعَنْ وَالِدَيَّ مِنَ الصَّلَوَاتِ زِنَّةَ عَرْشِ اللَّهِ، وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ، وَمَا أَحْصَاهُ عِلْمُهُ، وَأَحَاطَ بِهِ كِتَابُهُ.	دعا به امام	دعا به امام از طرق دیگران	زیست منتظران	D1
			تعمیم در دعا به امام		D2
			دعا به مقدار وزن عرش خدا به امام		D3
			علاقه به امام بدون مرز		D4
۵	اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُكَ لَهُ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا وَمَا عَشْتُ مِنْ أَيَّامِي عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً لَهُ فِي عُنُقِي لَا أَحُولُ عَنْهَا وَلَا أَرْوُلُ أَبَدًا	بیعت با امام	پیمان قلبی	زیست منتظران	E1
			پیمان عملی		E2
			پیمان لفظی		E3
			پیمان همیشگی		E4
			تجدید عهد		E5
			میثاق صبحگاهی		E6
۶	اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ، وَالذَّائِبِينَ عَنْهُ، وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَائِ حَوَائِجِهِ، وَالْمُتَمَتِّلِينَ لِأَوَامِرِهِ، وَالْمُحَامِلِينَ عَنْهُ، وَالسَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ، وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ	کمک به امام	حضور در صحنه	زیست منتظران	F1
			دشمن شناسی		F2
			فرصت طلبی		F3
			ولایت مداری		F4
			اصلاح جامعه		F5
			شهادت طلبی		F6

ردیف	متن دعا	مضمون اصلی	مضمون فرعی	جهت گیری	کد
۷	اللَّهُمَّ إِنَّ حَالَ بَنِي وَبَيْتِهِ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا مُقْضِيًّا فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِ مُؤْتَرَأ كَفْنِي، شَاهِرًا سَيْفِي، مُجَرَّدًا قَنَاتِي، مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي	درخواست رجعت	اجابت حق	زیست منتظران	G1
			آمادگی نظامی		G2
			مجازات مفسدین		G3
۸	اللَّهُمَّ ارْنِي الطَّلَعَ الرَّشِيدَةَ، وَالْعَرَّةَ الْحَمِيدَةَ، وَاحْكُلْ نَاطِرِي بِنُظْرَةِ مَنِّي إِلَيْهِ.	درخواست رؤیت امام	ارتباط ظاهری با امام	زیست منتظران	H1
			ارتباط معنوی با امام		H2
۹	وَعَجَّلْ قَرَجَهُ، وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ، وَأَوْسِعْ مَنَهْجَهُ، وَاسْلُكْ بِي مَحَجَّتَهُ، وَأَثِقِدْ أَمْرَهُ، وَاشْدُدْ أَرْزَهُ	درخواست فرج	درخواست ظهور	زیست منتظران	I1
			تعمیل فرج		I2
			درخواست سیره مهدوی		I3
۱۰	وَاعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ وَ أَخِي بِهِ عِبَادَكَ فَأُظْهِرِ اللَّهُمَّ لَنَا وَلِلَّهِكَ وَابْنِ بَيْتِ نَبِيِّكَ الْمُسَمَّى بِاسْمِ رَسُولِكَ حَتَّى لَا يُظْفَرُ بِشَيْءٍ مِنَ الْبَاطِلِ إِلَّا مَرَقَةٌ، وَيُحَقِّقَ الْحَقُّ وَيُحَقِّقَهُ؛	عصر ظهور	آبادانی	امام شناسی	J1
			پیروزی حق		J2
			انسان سازی		J3
			نابودی باطل		J4
۱۱	وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَقْرَعًا لِمَظْلُومِ عِبَادِكَ، وَنَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ لَهُ نَاصِرًا غَيْرَكَ، وَمُجَدِّدًا لِمَا عَطَلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ، وَمُشِيدًا لِمَا وَرَدَ مِنْ أَعْلَامِ دِينِكَ وَشَرَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ	عصر ظهور	دفاع امام از مظلوم	امام شناسی	K1
			امام مجری احکام		K2
			تعظیم شعائر از سوی ناحیه امام		K3
			احیای دین توسط امام		K4
			سنت نبوی		K5
۱۲	وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مِمَّنْ حَصَّنْتَهُ مِنْ نَاسِ الْمُعْتَدِينَ	دعا به امام	دشمن شناسی	زیست منتظران	L1
			دغدغه سلامتی امام		L2
ردیف	متن دعا	مضمون اصلی	مضمون فرعی	جهت گیری	کد
۱۳	اللَّهُمَّ وَشَرِّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِرُؤْيَيْهِ وَمَنْ تَبِعَهُ عَلَى دَعْوَتِهِ	درخواست ظهور	شادکردن پیغمبر	زیست منتظران	M1



۱۴	وَإِزْجِمِ اشْتِكَائَنَا بِعَدِهِ	درخواست رحمت الهی	امتحان دوران غیبت	زیست منتظران	N1
۱۵	اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْعُمَّةَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ، وَعَجِّلْ لَنَا ظُهُورَهُ، إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً وَنَرَاهُ قَرِيباً	درخواست	غم‌زدایی با ظهور	زیست منتظران	O1
		ظهور	امید مؤمن به ظهور		O2

۳. فرایند تحلیل محتوای مضمونی دعای عهد

فرایند تحلیل محتوای مضمونی تحقیق حاضر طی دو مرحله کلی سامان یافته است:

در مرحله اول، جدول تحلیل محتوا متشکل از سه ستون: «مضمون اصلی»، «مضامین فرعی» و «جهت‌گیری اصلی» ترسیم شده است. در مرحله دوم، تحلیل‌های کمی و کیفی مبتنی بر داده‌های حاصل از جدول تحلیل محتوا صورت می‌گیرد.

۳-۱. تحلیل کمی محتوای دعای عهد

هر جمله دارای یک پیام یا ایده مخصوص به خود بوده که مستقل از دیگر جملات متن است. به منظور تحلیل کمی محتوای دعای عهد، ابتدا دعای عهد، تقطیع و در ۱۵ فراز مجزا جای گرفت. سپس با نگاه به واژه‌های کلیدی دعای عهد، مفاهیم اولیه تشکیل‌دهنده مضامین و نقاط متمرکز آن، استخراج شد. در مرحله بعد، به استخراج جهت‌گیری‌های هر کدام از جملات تقطیع‌شده، پرداخته شده است.

۳-۱-۱. فراوانی واژگان کلیدی دعای عهد

فراوانی کاربرد یک واژه یا یک پیام در متن بیان‌گر آن است که آن پیام در سطح عالی ذهن نویسنده جای و به آن توجه داشته است. به عبارت دیگر، در این گونه موارد، هر واژه‌ای ضریب خاص خود را دارد. «منظور از سنجش واژگان کلیدی، شمارش و فراوانی واژگان کلیدی است که در متن حدیث خودنمایی می‌کنند و به عنوان اجزای اصلی متن جلوه‌گر می‌شوند. گفتنی است که این واژه‌ها از پیش تعیین‌شده نیستند و در مطالعات تحلیل محتوا، به تدریج خود را برای محقق نمایان می‌سازند (جانی‌پور، ۱۳۹۲: ۳۹).

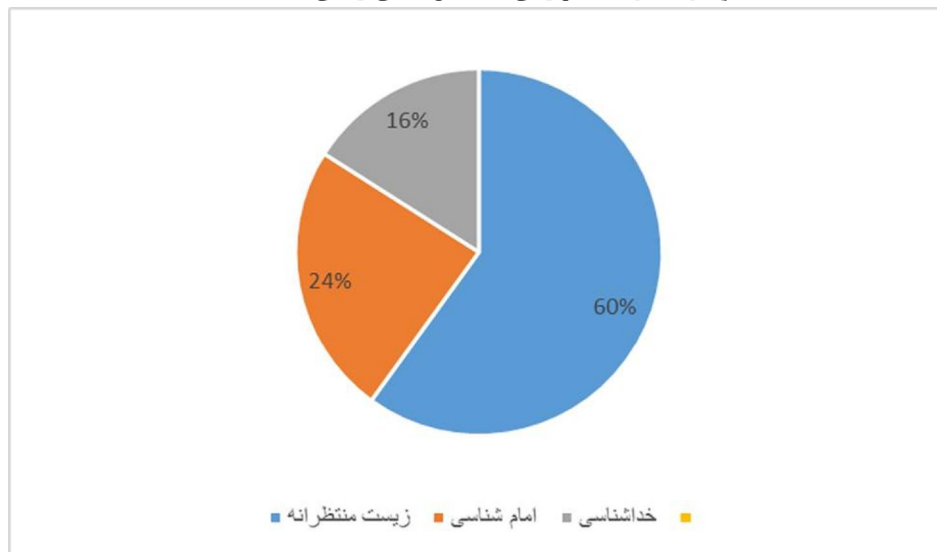
یکی از کارکردهای سنجش فراوانی واژگان کلیدی دعای عهد، آن است که محقق را با پرکاربردترین و کم‌کاربردترین واژگان به کار رفته در این دعا و از این رهگذر، با ادبیات به کار رفته در کلام

امام آشنا می‌کند. بر اساس تحقیق صورت گرفته، پرکاربردترین واژه به کار رفته در این دعا به کلمه **اللهم** اختصاص دارد (۱۰مورد) یعنی رویکر اصلی این متن، درخواست هایی از خداوند است.

۳-۱-۲. فراوانی مضامین اصلی و کلی دعای عهد

موضوع اصلی، بیان گر مقصود اصلی دعای عهد است. موضوع کلی، چارچوب اصلی متن دعا را تشکیل می‌دهد که با نگاه اجمالی به فهرست آن‌ها و بررسی فراوانی هر عنوان می‌توان تشخیص داد که دعای یادشده در چه حوزه‌ای و درباره چه مواردی سخن گفته است. بر اساس جدول شماره ۱، از دعای عهد، ۱۲ عنوان کلیدی و کلی استخراج شده است. همان‌طور که در نمودار شماره ۱ نشان داده شده، موارد دوازده گانه در سه محور خداشناسی (۲ مورد)، امام‌شناسی (۲ مورد)، زیست منتظرانه (۸ مورد) قرار می‌گیرند.

نمودار شماره ۱ - فراوانی مضامین اصلی و کلی دعای عهد



از نمودار فوق معلوم می‌شود، محوری‌ترین موضوع دعای عهد، تبیین زیست منتظرانه است.

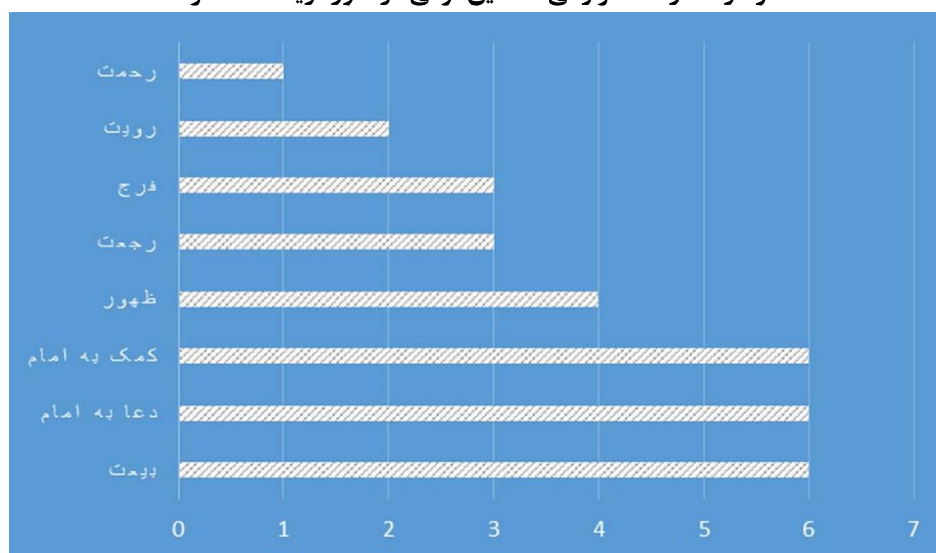
۳-۱-۳. فراوانی مضامین فرعی و نقطه متمرکز دعای عهد

در این مرحله، به استخراج و درج مضامین فرعی یا همان نقاط متمرکز در هر جمله از دعای عهد پرداخته شده است. برای سهولت بررسی متن دعا، موضوعات استخراج شده در مرحله



پیش (مضامین اصلی)، در قالب عناوینی جزئی‌تر درج شده‌اند. منظور از موضوعات فرعی یا نقاط متمرکز، عناوینی هستند که هرچند به صورت مستقل در دعا مطرح نشده‌اند؛ اما تشکیل دهنده مفهوم اصلی دعا هستند. این موضوعات لایه‌های درونی متن دعا را آشکار ساخته‌اند. با مروری بر دعای عهد می‌توان از متن دعا، ۵۰ موضوع فرعی استخراج کرد. از آن‌جا که بیش‌ترین فراوانی مضامین فرعی (۳۰ مورد)، مربوط به زیست منتظرانه است، در نمودار زیر، نمایش داده شده است.

نمودار شماره ۲- فراوانی مضامین فرعی در حوزه زیست منتظرانه



۲-۳. تحلیل محتوای کیفی دعای عهد

از آن‌جا که مقوله خداشناسی در فرهنگ دینی ما از اهمیت به‌سزایی برخوردار است، لذا در این بخش ابتدا، این مقوله شروع و مباحث مربوط به این بخش بیان می‌شود.

بخش اول: خداشناسی

به‌طور کلی، در دو فراز از دعای عهد به توحید و خداشناسی پرداخته شده است:

۱. شناخت اوصاف خدا

در ابتدای دعای عهد شانزده وصف از اوصاف خدا بیان شده است: اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ، وَرَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ، وَرَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ، وَمُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ، وَرَبَّ الظَّلِّ وَالْحَرُورِ، وَمُنْزِلَ الْقُرْآنِ

الْعَظِيمِ، وَرَبِّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَالْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ؛ پروردگار نور عظیم، پروردگار کرسی بلند، پروردگار دریای جوشان، پروردگار سایه و آفتاب داغ، فرو فرستنده تورات و انجیل و زبور و قرآن عظیم، پروردگار فرشتگان مقرب و پیامبران خدا و..

این دعا با ذکر الله و اوصاف خدا آغاز شده است. در این دعا، لفظ «اللهم» سیزده بار و کلمه «رب» پنج بار تکرار شده و نشان‌دهنده توجه ویژه دعاکننده به خداوند متعال است و نشان‌گر این است که نخستین مسیری را که این دعا برای زندگی مهدوی رقم می‌زند، خداشناسی است. کسی که می‌خواهد امام زمانش را بشناسد، اول باید خدا را بشناسد. با شناخت تمام از حقیقت وجودی خداوند، می‌توانیم مفهوم خلیفه الهی را به‌درستی بشناسیم و جایگاهش را درک کنیم؛ زیرا این خلیفه جانشین همان مستخلف‌عنه است و می‌خواهد به جانشینی از او کاری را انجام دهد.

تکرار واژه رب در این فراز از دعا، تأکیدی بر ربوبیت خداوند است. در عین این‌که خدای متعال همواره در همه کارها استقلال دارد؛ اما این واقعیات را از طریق علل و اسباب عملی می‌کند که یکی از وسائل امام زمان (ع) است.

۲. ثنای پروردگار

در فراز دیگر، دعای عهد ستایش خداوند صورت گرفته که جلوه‌ای از خداشناسی است. یکی از صفات پرتکرار در دعای عهد، صفت حی است که با موضوع رجعت بی‌ارتباط نیست (قرائتی، ۱۳۸۸: ۵۱).

بخش دوم: امام‌شناسی

در این بخش دعای عهد به دو موضوع پرداخته است.

۱. ویژگی‌های شخصی امام

در یک فراز از دعا، امام عصر (عج) را با پنج خصلت می‌خوانیم:
 اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْإِمَامَ الْهَادِيَ الْمَهْدِيَّ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ.... مِنَ الصَّلَوَاتِ؛ پروردگارا تو بر مولای ما، حضرت امام عصر هادی امت و مهدی آل محمد قیام‌کننده به فرمان تو بر او درود و تحیتی فرست.

۱-۱. مولا

اولین ویژگی امام زمان (عج)، مولا بودن است. از متون کهن ادبی، لغوی و تفسیری، استفاده می‌شود از معانی روشن «مولا»، سرپرست، شایسته‌تر برای تصرف در امور و اولی در زعامت و ولایت است. علامه امینی، با تأکید بر ده‌ها منبع ادبی، لغوی و تفسیری گزارش کرده‌اند (امینی، ۱۳۶۶: ۱/ ۳۸۶).



مولا، کلمه‌ای پرمعناتر از امام است، مولا کسی است که حتی اگر امکان و اجازه حاکم شدن را به او ندهند، باز هم بر دیگران اولویت دارد.

۲-۱. امام

امام، به معنای پیشوا، سرپرست و مقتدا است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱/ ۲۱۳ و ۲۱۴). راغب اصفهانی درباره این واژه می‌نویسد: «امام کسی است که به او اقتدا می‌شود، چه شیء مورد اقتدا انسان باشد که به گفتار و کردارش اقتدا شود یا کتابی باشد یا شیء دیگری، چه این اقتدا حق و صواب باشد و چه باطل و ناصواب» (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق: ۲۴). بنابراین واژه امامت از یکسو «پیشوایی و راهبری» و از سوی دیگر «تبعیت و پیروی» را می‌رساند.

۳-۱. هادی

هادی به معنای هدایت‌کننده مردم از جانب خداوند است. قرآن مجید می‌فرماید: *إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ* (رعد / ۷). تو فقط بیم‌دهنده‌ای و برای هرگروهی هدایت‌کننده‌ای است. در کتب تفسیری، ۲۶ حدیث آمده که مراد از «هاد» ائمه معصومین علیهم السلام هستند (قرائی، ۱۳۸۸: ۳۲۲/۴). تنها کسی که در حال حاضر، جریان هدایت به دست اوست، حضرت مهدی(ع) است.

۴-۱. مهدی

یکی از مشهورترین نام‌های حضرت، «مهدی» است. مهدی صفت مفعولی و به معنی شخص راهنمایی‌شده به دست خدا است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۳۵۴/۱۵)؛ یعنی امام هم مردم را به سمت برنامه‌های خداوند در مسیر رشد هدایت می‌کند و هم خود از جانب خداوند به سوی آنچه خداوند برای او تقدیر کرده، هدایت یافته است. بنابراین، انسان مؤمن مطمئن می‌شود که امام به سمتی هدایت می‌کند که خدا خواسته و او جز مشیت خداوند عمل نمی‌کند، بلکه تمام اراده خداوند در ظرف وجود امام قرار دارد. در روایات اسلامی، مراد از مهدی به صورت مطلق، همان موعود خاندان پیامبر اکرم(ص) است. امام صادق(ع) در مورد علت نام‌گذاری امام زمان(عج) به مهدی فرموده‌اند: قائم آل محمد(عج) را به این دلیل، مهدی می‌نامند که او، مردم را به آن دسته از اموری که بر ایشان پوشیده است، هدایت خواهد کرد (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۳۰/۵۱).

۱-۵. قائم

از پرکاربردترین و مهم‌ترین اسامی امام مهدی (عج) لقب «قائم» است که اختصاص به ایشان دارد. این نام زیبا به قیام حضرت و مبارزه و جهادی که در آینده با اهل ظلم خواهند داشت، اشاره دارد. از امام صادق (ع) نقل شده است. او (مهدی) قائم نامیده شده، زیرا به حق قیام می‌کند (همان). از امام جواد (ع) نیز پرسیدند: چرا او (مهدی) را قائم می‌نامند؟ فرمود: زیرا، او پس از فراموش شدن نام و یادش، قیام می‌کند (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ۲/ ۳۷۸).

۲. ویژگی‌های حکومتی امام

از آن‌جا که رسالت همگان، زمینه‌سازی برای عصر ظهور است، یکی از عرصه‌های امام‌شناسی، شناخت دوران پس از ظهور است. این امر با روشن شدن خلاءهای موجود، حرکت در جهت تحقق دوران طلایی عصر ظهور را مضاعف می‌سازد. منتظران با آگاهی از «جامعه آرمانی مهدوی» و با حتمی پنداشتن آن، دست به دعا برداشته و در هر صبح‌گاه، نه تنها از خداوند متعال درخواست ظهور حضرتش را می‌کنند، بلکه برای رسیدن به آن آرمان، همت می‌گمارند؛ زیرا مهم‌ترین «آرمان اجتماعی» ظهور امام زمان (عج)، تحقق اصلاح و جامعه عدالت‌گستر است.

در دعای عهد به هشت دستاورد عصر ظهور اشاره شده است: **وَ اعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ وَ أَهْلِي بِهِ عِبَادَكَ فَأَظْهِرِ اللَّهُمَّ لَنَا وَلِيَّكَ وَ ابْنَ بَيْتِ نَبِيِّكَ الْمُسَمَّى بِاسْمِ رَسُولِكَ حَتَّى لَا يَطْفَرَ بَشِيءٌ مِنَ الْبَاطِلِ إِلَّا مَرْقَةً، وَ يُجِزَّ الْحَقُّ وَ يُحَقِّقَهُ؛ وَ اجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَفْرَعًا لِمَظْلُومٍ عِبَادِكَ، وَ نَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ لَهُ نَاصِرًا غَيْرَكَ، وَ مُجَدِّدًا لِمَا عُطِّلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ، وَ مُشِيدًا لِمَا وَرَدَ مِنْ أَعْلَامِ دِينِكَ وَ سُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ**

۱. آبادانی زمین ۲. احیای انسان ۳. احقاق حق ۴. نابودی باطل ۵. حمایت از مظلوم ۶. تجدید احکام تعطیل‌شده و اجرای آن ۸. استحکام شعائر الهی و تثبیت آن در جامعه ۹. اجرای سنت‌های الهی پیامبر (ص).

بخش سوم: زیست منتظرانه

بخش اعظم دعای عهد، به سبک زندگی مهدوی اختصاص دارد و به بیان دیگر، بایسته‌های رفتاری منتظران را بیان کرده است که عبارتند از:

۱. دعا به امام

یکی از وظایف فردی منتظران، صلوات صبحگاهی به محضر امام زمان خود است. **اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْإِمَامَ الْهَادِيَ الْمَهْدِي الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ**



فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، سَهْلِهَا وَجَبَلِهَا، وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَعَنِّي وَالَّذِي مِّنَ الصَّلَوَاتِ زِنَةُ عَرْشِ اللَّهِ، وَمِدَادُ كَلِمَاتِهِ، وَمَا أَحْصَاةُ عِلْمُهُ، وَأَحَاطَ بِهِ كِتَابُهُ.

دعاکننده هر روز با این دعا به امام زمان خود درود و سلام می‌فرستد. در این دعا، به‌خوبی جایگاه امامت تبیین شده است. انسان منتظر با خواندن این دعا در واقع، می‌خواهد بگوید، من امام و پیشوا، رهبر و راهنما دارم و خط سیر من مشخص است.

فلسفه دعا به امام، زنده نگه‌داشتن یاد امام و اظهار محبت آن حضرت است. این فراز از دعای عهد چگونگی دعاکردن (از نظر کمی و کیفی) را به منتظران می‌آموزد. علاقه بی‌مرز، مشرق و مغرب، زنده و مرده، شرطش حیات هم نیست. یعنی، علاقه بدون شرط از طرف خود و پدر مادرم و فرزندم، یعنی علاقه بدون تاریخ، هم گذشته، هم آینده.

رسول اکرم(ص) می‌فرماید: إِذَا دَعَا أَحَدُكُمْ فَلْيُعِمْ فَإِنَّهُ أَوْجِبُ لِلدُّعَاءِ وَمَنْ قَدَّمَ أَرْبَعِينَ رُجُلًا مِنْ إِخْوَانِهِ قَبْلَ أَنْ يَدْعُو لِنَفْسِهِ أُسْتَجِيبَ لَهُ فِيهِمْ وَفِي نَفْسِهِ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۱۳/۹۳). هرگاه کسی دعا می‌کند، دعایش را تعمیم و گسترش بدهد که این کار بیش‌تر موجب تأثیر دعا می‌گردد. هرکس دعا برای چهل نفر از برادران دینی‌اش را بر دعا برای خودش مقدم کند، دعایش هم در حق آن‌ها مستجاب می‌شود و هم در حق خودش. در این فراز از دعای عهد، همه مؤمنین و مؤمنات را در سلام خود شریک می‌کنیم. این امر نقش مهم تربیتی دارد؛ زیرا با این کار، خودخواهی، خودپسندی و خودمحوری از آدمی زدوده می‌شود.

۲. آروزی دیدن امام

اللَّهُمَّ ارْنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ، وَالْعُرَّةَ الْحَمِيدَةَ، وَاكْحُلْ نَاضِرِي بِنُظْرَةِ مَبِيِّ إِلَيْهِ

این فراز به یکی دیگر از درخواست‌های فردی منتظران اشاره دارد و آن دیدار با امام زمان(عج) است. او کسی است که همه مشتاق دیدار جمال دل‌رای اویند. امام علی(ع) که همه اولیا در حسرت دیدار روی او در لحظه جان‌دادن، یک عمر انتظار کشیده‌اند، بزرگ‌ترین آرزوی خویش را دیدن چهره نورانی مهدی موعود دانسته و با حالت سرشار از عشق و شیدایی به سینه خود اشاره کرده و آهی کشیده‌اند، می‌فرمایند: آه آه سَوْقًا إِلَى رُؤْيَتِهِ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۱۵/۵۱)؛ چقدر به دیدار او مشتاقم.

مراد از «الطَّلْعَةُ الرَّشِيدَةُ» ولی عصر(ع) است. زیرا که آن حضرت در کتاب و سنت به آفتاب تشبیه شده است. در بعضی از احادیث می‌خوانیم: مراد از آفتابی که نزدیک قیامت از مغرب طلوع می‌کند، آن جناب است (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۲/۵۲۸).

۳. دعا برای سلامتی امام

در فراز پایانی دعای عهد درخواست‌هایی مطرح شده است که مرتبط با صیانت از جان امام زمان (عج) است؛ زیرا دغدغه آسیب به ایشان همانند دیگر امامان (ع) موجب شده که انسان از ظلم ظالمان و تعرض به وجود مبارک ایشان بترسد. از این رو، دغدغه همیشگی سلامت و حفظ جان ایشان را دارد. البته فلسفه دعا تنها این نیست که امام زمان (ع) از آسیب‌ها حفظ شود، بلکه آثار و فواید دیگر نیز دارد که به دعاکننده بر می‌گردد. در کتاب ارزشمند مکیال المکارم، ۹۰ فایده برای دعا به حضرت ولی عصر بیان شده است (موسوی اصفهانی، ۱۳۷۶: ۱/ ۳۴۵).

۴. بیعت با امام

اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُّ لَكَ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا وَمَا عِشْتُ مِنْ أَيَّامِي عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً لَكَ فِي عُنُقِي لَا أَحُولُ عَنْهَا وَلَا أَرْوُلُ أَبَدًا

اهل لغت بیعت را قرارداد بستن و معاهده گرفته‌اند. گویا هر یک از آنان آنچه را در اختیار دارد به رقیش می‌فروشد و جان و اطاعت و اختیار دخالت در کار خویش را در اختیار دیگری می‌گذارد (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۸ / ۲۶). بیعت در اصطلاح فقه سیاسی به معنای پذیرش خلافت و حکومت و خلیفه و حاکم مسلمان است. چنان‌که ابن خلدون می‌نویسد: «بیعت، پیمان بر اطاعت است، مثل این‌که بیعت‌کننده با امیر خودش عهد می‌نماید که تسلیم فرمان‌های او باشد، چه در امور شخصی و چه در امور اجتماعی مسلمین (ابن خلدون، ۱۴۱۳ق: ۱۴۶۱۴۶).

در این فراز، سه لفظ «عهد»، «عقد» و «بیعت» ذکر شده است که وظیفه ما را در قبال امام زمان (عج) مشخص می‌کند. در قرآن قریب به پنجاه مرتبه واژه عهد به کار رفته است. واژه عقد و مشتقات آن کمتر از ده بار به کار رفته است. هرندی در شرح خود در تفاوت این سه واژه می‌گوید: «عهد ظاهر در پیمان عملی و عقد ظاهر در اعتقاد قلبی و بیعت ظاهر در تسلیم امر مملکتی است» (هرندی، ۱۳۸۳: ۱۰۸). طریحی در فرق بین این دو می‌فرماید: «عقد دو طرفی است، لکن عهد الزاماً دو طرفی نیست. در عقد معنای محکم بودن است. پس در هر عهدی، عقد است؛ اما هر عقدی عهد نیست (طریحی، ۱۳۷۵: ۲۱۷/۳). «بیعت به پذیرش ریاست و فرمان‌برداری و اعلام وفاداری است» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۲۶/۸). پس باید سه گام برای بیعت با امام زمان علیه السلام برداریم: پیمان اولیه، عهد است که پس از شناخت و آگاهی حاصل می‌شود. سپس محکم کردن این پیمان است (عقد) که در گرو انجام رفتارهای لازم و شایسته است. در نهایت گام بعدی، پذیرش اطاعت و فرمان‌برداری خالصانه (بیعت) است. «عهد و



عقد و بیعت سه مرتبه از یک حقیقتند که در شدت و ضعف با یکدیگر تفاوت دارند» (پورسیدآقایی، ۱۳۸۵: ۱۸)، عهد لفظی است. عقد، گره و پیوندی است که با جان و قلب استحکام پیدا می‌کند، اما بیعت آن عهد و عقد را در فضای خارجی عملی می‌سازد.

نکته مهم آن است که منتظر در این دعا بر بیعت همیشگی خود با امام زمانش تأکید می‌کند. این میثاق و عهد امری است که هر لحظه و آن به آن در زندگی هر شیعه معتقدی باید جریان داشته باشد. تعبیر «أَجْدُدُ» به معنای اعلام هر روزه علاقه به امام زمان (عج) است و این علاقه رو به رشد است. «عَهْدًا»، «عَقْدًا» و «بَيْعَةً».

وفای به این عهد و پیمان، راه وصال را برای منتظر هموار می‌سازد. آن حضرت در توقیع خود به شیخ مفید می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَقَفَهُمُ اللَّهُ لِبَطَاعَتِهِ عَلَيَّ اجْتِمَاعٌ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ، لَمَّا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمُنُ بِلِقَائِنَا، وَلَتَعَجَّلْتُ لَهُمُ السَّعَادَةَ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَيَّ حَقَّ الْمَعْرِفَةِ، وَصِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۳/۶۷۶)». اگر شیعیان ما که خداوند آن‌ها را در طاعت خویش موفق بدارد، در وفای به عهدی که بر عهده ایشان است، یکدل و متحد اجتماع می‌کردند، خجستگی دیدار ما از ایشان به تأخیر نمی‌افتاد و سعادت دیدار ما، همراه با کمال و معرفت و درستی شناخت ما، زودتر به ایشان می‌رسید. به نظر می‌رسد مفاد عهدنامه را باید در مقامات یاوران مهدی (عج) جست‌وجو کرد که در فراز بعدی آمده است.

۵. رجعت

یکی از خواسته‌های منتظران در دعای عهد، طلب رجعت است:

اللَّهُمَّ إِنْ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتَرًّا كَفَنِي، شَاهِرًا سَيِّفِي، مُجَرِّدًا قَنَاتِي، مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي

این فراز از دعای عهد «فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي» مرا از قبرم خارج کن، همان رجعت است که ریشه در آیات و روایت معصومین دارد. در زیارت‌های مختلف ائمه (ع) مانند: زیارت جامعه، ال یاسین، زیارت اربعین، زیارت وارث به رجعت پرداخته شده است. در زیارت جامعه می‌خوانیم: «مُؤْمِنٌ بِإِيَابِكُمْ، مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ مِنْ بَارِئِكُمْ شِمَا، إِيْمَانٌ دَارِمٌ وَبِهِ رَجْعَتٌ شِمَا، بَاوَرٌ دَارِمٌ».

این فراز از دعای عهد نشان می‌دهد منتظر، واقع‌نگر است و آن را با خواب و خیال سپری نمی‌کند. او ظهور ولی عصر (عج) را انتظار می‌کشد و دعاگوی تعجیل در فرج حضرت است؛ اما درعین حال، احتمال می‌دهد که نتواند در دوره عمر خود ظهور را درک کند. از این رو آرزویش این است که حتی پس از مرگ، از قبر بیرون آید و به یآوری حضرت برخیزد.

اثر دیگر اعتقاد به رجعت، تسکین دل مؤمنان است. علامه طباطبایی رجعت را یکی از مراتب روز قیامت دانسته است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق: ۲/ ۲۰۷). آنان که دلشان از ستم ظالمان در طول تاریخ مالا مال از درد و رنج شده است، با رجعت و انتقام از مفسدان، تسکین و التیام پیدا می‌کند. جملات «شاهراً سیفی» و «مُجَرِّداً قناتی» و «مُلبیا دعوة الداعی»، ناظر به آمادگی درهمه‌حال منتظران حضرت است. فراز «فی الحاضر والبادی» در شهر و روستا بیان می‌کند، برای منتظر شهر و روستا فرقی نمی‌کند، هر جا امام خواهد، همان‌جا لبیک گو است. برای خدمت خود را محدود به مکانی خاص نمی‌کند.

۶. دعا برای فرج

وَعَجِّلْ فَرَجَهُ، وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ، وَأَوْسِعْ مَنَهِجَهُ، وَاسْلُكْ بِي مَحَجَّتَهُ، وَأَنْقِذْ أَمْرَهُ، وَأَشْدُدْ أَرْزَهُ
 در این فراز، دعای عهد به یکی دیگر از وظایف منتظران در عصر غیبت اشاره دارد و آن دعا برای فرج است. دعا برای تعجیل فرج به معنای خواستنِ ظهور است. این خواسته خود حضرت است آن‌جا که می‌فرماید: أَكْثَرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ۲/ ۴۸۴) برای نزدیک شدن ظهور و فرج زیاد دعا کنید، به‌راستی همین دعا، فرج شماست. کسی که در انتظار فرج است، به وضع موجود معترض است و می‌خواهد وضعیت موجود را به وضعیت ایده‌ال و آرمانی بدل نماید. اگر وضع موجود پذیرفتنی و بر حق باشد، باز می‌خواهد این وضع را به شرایط مطلوب‌تر متحول نماید؛ بنابراین، درخواست فرج، کارکرد اجتماعی دارد. مراد از «تسهیل مخرج امام»، مهیاساختن اسباب آن است. ظهور هنگامه‌ای سخت و دشوار است و به همین جهت، در دعا از خدا می‌خواهیم که ظهور و قیام و او را آسان گردان و تسهیل کن.

۷. زمینه‌سازی برای ظهور

اللَّهُمَّ وَ سُرِّيَّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ بِرُؤْيَيْهِ... إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً وَ نَرَاهُ قَرِيباً
 بر اساس آموزه‌های دینی، یکی از وعده‌های قطعی و حتمی خداوند، ظهور منجی و مصلح در آخرالزمان است. اما بر اساس روایات معتبر، برای ظهور، وقت و زمان مشخصی بیان نشده است. قضای حتمی و تقدیر قطعی الهی هر چند با درخواست و دعای ما تغییر نمی‌کند؛ اما این همه، مانع دعا کردن نمی‌شود؛ زیرا، تحقق امور حتمی نیز حاصل فراهم شدن همه زمینه‌ها و عوامل گوناگون آن است و دعا نیز می‌تواند جزئی از آن علّت تامّه باشد. از این‌رو از وظایف مسلم شیعیان در زمان غیبت امام که در دعای عهد بازتاب دارد، دعا برای نزدیک شدن ظهور و درخواست قیام آن حضرت است.



مؤمن همان گونه که قیامت و حساب و کتاب آن را بسیار نزدیک می‌داند، ظهور و تحقق حکومت عدالت جهانی مهدی (عج) را نیز بسیار قریب می‌داند. افرادی که مهدویت را باور دارند، برای رسیدن به چنین جامعه‌ای زمینه ایجاد و تشکیل آن دولت کریمه را فراهم می‌سازند.

۸. نصرت به امام

از آن جا که انصار امام زمان (عج) بودن، نقش کلیدی در تثبیت هویت اجتماعی منتظران بر عهدہ دارد، در فرازی از دعای عهد از خداوند می‌خواهیم ما را از یاوران حضرت قرار دهد:

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَالدَّائِمِينَ عَنْهُ وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَالْمُتَّبِعِينَ لِأَوَامِرِهِ وَالْمُحَامِلِينَ عَنْهُ وَالسَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ

از این فراز از دعای عهد معلوم می‌شود، نصرت امام، مراتب هشتگانه دارد:

۱-۸. انصار حضرت بودن

«انصار» جمع «ناصر» در لغت به معنای نوعی یابوری است که سبب خالص شدن شخص از مخمصه می‌شود (طریحی، ۱۳۷۵: ۳ / ۴۹۵).

انصار کسانی هستند که برای یاری حضرت در مقابل تهاجمی که علیه ایشان صورت می‌گیرد؛ نقش ایفا می‌کنند. زمانی که بنی اسرائیل در مقابل تفکر توحیدی موسی به کارشکنی و ترویج کفر اقدام می‌کنند؛ حضرت عیسی برای مقابله با آن‌ها از بنی اسرائیل یاری می‌طلبد و قرآن برای بیان این مسئله از واژه انصار استفاده کرده است (آل عمران / ۵۲). انصار امام بودن، مختص زمان ظهور نیست؛ بلکه در عصر غیبت نیز که امام دشمن دارد، باید او را با زبان و عمل یاری کرد.

امام صادق (ع) فرموده است: لِيَعْدَنَّ أَحَدُكُمْ لِخُرُوجِ الْقَائِمِ وَ لَوْ سَهْمًا فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا عَلِمَ ذَلِكَ مِنْ نَبِيٍّ رَجَوْتُ لِأَنِّي يُسَيِّ فِي عُمْرِهِ حَتَّى يُدْرِكَهُ فَيَكُونُ مِنْ أَعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۳۲۰). هر یک از شما باید خود را برای خروج قائم آماده کند؛ هر چند یک تیر که خدای تعالی هر گاه از نیت او آن را بداند، امیدوارم که در عمر او تأخیر اندازد تا آن که قائم را درک کند و از یاران و یاوران او باشد.

۲-۸. اعوان (یاران) حضرت بودن

«اعوان» جمع «عون» است و عون به معنای یاری کردن و همراهی کردن در اجرای کارهاست، هر چند خطری نباشد (طریحی، ۱۳۷۵: ۶ / ۲۸۵).

تفاوت اعوان و انصار در این است که عون، برای هر کمکی به کار می‌رود؛ اما نصر کمک به فرد یا گروهی است که در رویارویی یا دشمنی با فرد یا گروهی قرار گرفته است، از این رو چنانچه در جنگ گروهی به یکی از طرفین نزاع پیوندند، آنان را نصرت داده‌اند (ابوهلال عسگری، ۱۴۰۰ق: ۱۸۳). هرنندی در شرح خود، اعوان را اعم از انصار دانسته، زیرا معتقد است: نصرت مطلق یاری کردن است، گرچه به زبان و آرزو و امید باشد، اما عون ظاهر در فعلیت است» (هرندی، ۱۳۸۳: ۱۱۷). واژه عون در روایات اهل بیت، بیش‌تر در مورد دنیا و حمایت و یاری با ابزار مالی به کار رفته است. امام صادق(ع) دنیا را بهترین یاری‌کننده آخرت دانسته‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۷۲/۵). پیامبر اسلام(ص) ثروت را بهترین یاور تقوا بیان داشته‌اند (همان/۷۱). بهترین صدقه از منظر ایشان، یاری کردن ضعیفان است (همان/۵۵) و امام رضا(ع) خمس را از مصادیق عون دانسته‌اند (همان/۵۴۸).

۳-۸. دفاع از امام

سومین صفت یاوران مهدی(عج)، «والذائین عنه» است. ذب به معنای طرد و دور کردن است (فراهیدی، ۱۴۰۸ ق: ۸/۱۷۸). بعضی از اهل لغت آن را به معنای پیشگیری و جلوگیری دانسته‌اند. «دفع کردنی که همراه حمایت کردن است. یعنی راندن [خطر] از آن‌چه مورد حمایت است و این قید تفاوت بین این کلمه و ریشه‌های هم‌معنی آن هم‌چون دفع و منع و دو همانندهای آن‌هاست» (مصطفوی، ۱۳۹۹: ۳/۳۲). در کتاب لغت محیط فی اللغة، کاربرد این واژه را دو معنای دفع و منع خطر دانسته است (صاحب، ۱۴۱۴ق: ۱/۶۴).

۴-۸. سرعت در اقدام

الْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ

یکی دیگر از صفات منتظران واقعی که در دعای عهد مطرح شده، سرعت در اقدام است. این عمل اولاً، روحیه نیروهای خودی را بالا می‌برد و ثانیاً، از جبهه مقابل فرصت تدارک و مقابله گرفته می‌شود. برتری با کسانی است که سریع اقدام می‌کنند. هرنندی این فراز را به سعی در خدمات به حضرت در امور عادی مانند معاملات و معاشرت و غیره حتی در خوردن و آشامیدن تفسیر کرده است (هرندی، ۱۳۸۳: ۱۱۹).

۵-۸. امتثال امر امام

الْمُتَمَتِّلِينَ لِأَمْرِهِ



«امثال» به معنای پیروی و دنباله‌روی است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱۱/ ۶۱۴). هرندی در شرح خود

این فراز را به اوامر تکلیفی تفسیر کرده است (هرندی، ۱۳۸۳: ۱۱۹).

در مورد تفاوت اطاعت و امثال گفته شده است: ««امثال» به‌جا آوردن عمل مطلوب پروردگار با

انگیزه تقرب الهی است و «اطاعت» صرف پیروی نمودن از اوامر و نواهی خداوند است، اعم از آن‌که

قصد قربت همراه عمل باشد یا نباشد» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق: ۴۴۱).

اطاعت از امام، از وظائف امت اسلامی است. امام صادق(ع) می‌فرماید: نَحْنُ قَوْمٌ قَدْ فَرَضَ

اللَّهُ طَاعَتَنَا، وَ إِنَّكُمْ لَتَأْتُمُونَ بِمَنْ لَا يُعَدُّ النَّاسُ بِجِهَالَتِهِ (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۱/ ۱۸۵)؛ مایم آن خاندانی که

خداوند فرمان‌بری از ما را واجب کرده است. شما به کسانی اقتدا می‌کنید که مردم در شناختن آنان

معدور نیستند.

۶-۸. پشتیبانی از امام

الْمُحَامِينَ عَنْهُ

ریشه واژه «محامین»، «حمی» می‌باشد که به معنای دفاع کردن است. لسان العرب وقتی می‌خواهد

این دفاع را تبیین کند، دفاع شتر ماده از بچه‌اش را مثل می‌آورد (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱۱۶/ ۲۰۰). این دفاع

به قدری محکم است که آن را در معنای جنگ‌های بسیار سخت نیز اطلاق می‌کنند. «در حال حاضر و

در لغت فصیح عرب کنونی، محام به مدافع خاص و در واقع به وکیل مدافع گفته می‌شود» (قصیری،

۱۳۹۸: ۴۲).

این واژه در زیارت حضرت عباس(ع) آمده است: فَنِعْمَ الصَّابِرُ الْمَجَاهِدُ الْمُحَامِي النَّاصِرِ وَالْآخِ

الدَّافِعِ عَنِ أَخِيهِ (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۹۸/ ۲۱۹). چه نیکو صبرکننده جهادگر، پشتیبان یاور و برادری که از

برادر خود کاملاً دفاع نمود.

۷-۸. سبقت در عمل

السَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ

در این فراز از دعای عهد میثاق می‌بندیم که از پیشی گیرندگان به‌سوی خواسته‌هایش باشیم. درواقع

در این بخش دعا ما از خداوند می‌خواهیم ما را جزء مقربان امام زمان قرار دهد؛ چنان‌که قرآن شرط تقرب

الهی را سبقت دانسته است: (وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ) (واقع ۱۱-۱۰).

امام به ما می‌آموزد برای دستیابی به سعادت لازم است اهل تلاش و سبقت باشیم.

۸-۸. طلب شهادت

وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ خَدَايَا! مرا از کسانی قرار ده که در برابر او (امام زمان) به شهادت می‌رسند.
 «مستشهد»، اسم مفعول از ریشه شهد و از باب استفعال است. «مستشهد کسی است که از او شهادت طلب می‌شود و او را خداوند به شهادت امر کرده و شهادت را از او طلب می‌کند» (طریحی، ۱۳۷۵: ۸۱/۳).

شخص منتظر، پس از آن که هفت صفت قبلی را در زندگی خود تحقق بخشید، از خداوند متعال می‌خواهد توفیق دهد تا او جانش را در پیشگاه ولی خدا نثار کند.

نتیجه گیری

به نظر می‌رسد، توصیه‌های مکرر بزرگان دین و سیره عملی بر خواندن نسبت به قرائت و فضیلت این دعا، با مباحث معرفتی موجود در متن دعا، بی‌ارتباط نیست. دعای عهد ابزاری مؤثر برای هدایت فکری، رفتاری و عاطفی مردم در عصر غیبت است.

تقطیع معنادار دعای عهد بر اساس روش تحقیق علمی تحلیل محتوا و فراوانی واژگان کلیدی و نیز مضامین فرعی یا همان نقاط متمرکز دعای عهد ما را به این نتیجه می‌رساند که محوری‌ترین موضوع این دعا، مقوله زیست منتظرانه است. این امر، نشان‌دهنده برجسته‌بودن بُعد شناختی این دعا ارزشمند است.

در متن دعا، سبک زندگی مهدوی نسبت به مقولات دیگر از کمیت بیش‌تری برخوردار است که می‌توان آن را محوری‌ترین موضوع دعای عهد قلم‌داد نمود و این نشان‌دهنده برجسته‌بودن بُعد شناختی این دعا ارزشمند است.

فهرست منابع

- قرآن مجید
- آقابزرگ تهرانی. (۱۴۰۸ق). الذریعه إلى تصانیف الشیعه. قم: اسماعیلیان.
- ابن‌مشهدی، محمد بن جعفر. (۱۴۱۹ق). المزار الکبیر. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن طاووس، سیدعلی بن موسی. (۱۴۱۶ق). مصباح الزائر. چاپ اول، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
- ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی. (۱۴۱۴ق). لسان العرب. چاپ سوم، بیروت: دار صادر.
- ابن خلدون، عبدالرحمن. (۱۴۱۳ق). مقدمه ابن خلدون. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۹۵ق). کمال الدین و تمام النعمه. تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.



- امینی، عبدالحسین. (۱۳۶۶). الغدير. چاپ دوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- امانی، رضا؛ خوش ناموند، مسعود. (۱۳۹۳). «بررسی روابط بینامتنی قرآن و دعای عهد». همایش ملی بینامتنیت.
- باردن، لورنس. (۱۳۷۵). تحلیل محتوا. ترجمه ملیحه آشتیانی و محمد یمنی دوزی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- پورسیدآقای، سید مسعود. (۱۳۸۵). «عهد محبت: بیعت اطاعت»، دومه نامه امان، صص ۲۷-۱۸.
- حسینی زیدی، ابوالقاسم؛ عباس زاده، حمید و همکاران. (۱۳۹۷). «بررسی عناصر سه گانه فکری: شکلی و ساختاری و جلوه های علم معانی و بیان در دعای عهد»، عصر آدینه، شماره ۲۷، صص ۱۳۵-۱۱۱.
- داود پور، مرتضی. (۱۳۸۸). آموزه های اجتماعی دعای عهد، قم: موسسه آینده روشن.
- دشتبانی، معین. (۱۳۹۰). بررسی مبانی قرآنی وروایی دعای عهد. پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- راغب الأصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۰۴ق). المفردات فی غریب القرآن. چاپ دوم، تهران: دفتر نشر کتاب.
- طباطبائی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- صاحب، اسماعیل بن عباد. (۱۴۱۴ق). المحيط فی اللغة. بیروت: عالم الکتاب.
- طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵). مجمع البحرین. چاپ سوم، تهران: انتشارات مرتضوی.
- عسکری، حسن بن عبدالله. (۱۴۰۰ق). الفروق فی اللغة. بیروت: دار الآفاق الجدیدة.
- فیروزان، توفیق. (۱۳۶۰). روش تحلیل محتوا. تهران: نشر آگاه.
- کفعمی، ابراهیم بن علی. (۱۴۰۵ق). المصباح للکفعمی. چاپ دوم، قم: دار الرضی.
- کیوی، ریمون و کامپنهود، لوک وان (۱۳۸۱). روش تحقیق در علوم اجتماعی. ترجمه عبدالحسین نیک گهر، چاپ ششم، تهران: انتشارات توتیا.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی. چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۸ق). کتاب العین. بیروت: مؤسسة الأعلمی للطبوعات.
- قصیری، مجتبی. (۱۳۹۸). «صفات منتظران بر اساس دعای عهد»، مطالعات مهدوی، شماره ۴۵، صص ۴۶-۲۷.
- قرائتی، محسن. (۱۳۹۲). زندگی مهدوی در سایه دعای عهد. قم: مؤسسه مهدی موعود.
- قرائتی، محسن. (۱۳۸۸). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. چاپ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مصطفوی، محمد حسن. (۱۳۹۹). التحقيق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: مرکز نشر کتاب.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۷ق). دائرة المعارف فقه مقارن. قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).
- موسوی اصفهانی، سید محمد تقی. (۱۳۷۶). مکیال المکارم. ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، چاپ چهارم، انتشارات بدر.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۹۷ق). الغیبه. مصحح: علی اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق.
- نتوندورف، کیمبرلی. (۱۳۹۵). راهنمای تحلیل محتوا. مترجمان: حامد بخشی و وجیهه جلائیان، مشهد: جهاد دانشگاهی.
- هرندی، محمد بن محمد حسن. (۱۳۸۳). شرح دعای عهد. به کوشش درگاهی، حسین، تهران: شمس الضحی.